



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آیت‌الله علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰) دانشمند معاصر و مفسر ارجمند قرآن کریم است که با تدریس، تألیف و پرورش شاگردان فراوان، نقش ارزنده‌ای در حرکت علمی جهان اسلام داشت. با وجود تبحر علامه در علوم مختلف از قبیل فلسفه، عرفان، فقه و اصول، حدیث، تاریخ و ریاضیات، بی‌شک نام ایشان بیشتر با تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» عجین شده است. ایشان در این اثر عظیم، علاوه بر احیای روش تفسیر قرآن به قرآن، به روابط و تناسب معنایی بین آیات و همچنین اجزای بین آیات نیز توجه خاصی نشان داده و همین امر باعث امتیاز و برتری این تفسیر در دوران معاصر شده است.

از زوایای مختلفی می‌توان به این اثر برجسته نگریست و پژوهش‌های بسیاری را سامان داد، اما سؤالی که در این تحقیق درباره‌ی تفسیر المیزان می‌توان مطرح کرد این است که علامه در این تفسیر چگونه به روابط و پیوند معنایی فاصله در آخرین جزء آیه با محتوای آن توجه نشان داده و آیا می‌توان نوآورانه‌های خاصی در این زمینه از علامه سراغ گرفت؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند تفسیر المیزان را در موضوع فواصل و ارتباط معنایی آن‌ها با محتوای آیه همانند بسیاری دیگر از موضوعات، پیشرو، الگو و نمونه‌ای از توجه به ارتباط و پیوند معنایی بین اجزای آیه نشان دهد. از همین رو در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به کاوش در المیزان پرداخته و سعی شده است گونه‌های پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه بازیابی گردیده و هنر نوآورانه‌ی علامه بیش از پیش در این زمینه نمودار گردد. لازم به ذکر است که با توجه به جستجویی که صورت گرفت، در زمینه‌ی پیوند معنایی فواصل در تفسیر المیزان مقاله یا تحقیقی صورت نگرفته و تنها مقاله‌ی «تحلیل تطبیقی کارکردهای تفسیری فواصل آیات در تفاسیر المیزان و تسنیم» از علی اصغر آخوندی و کرم سیاوشی را می‌توان یافت که به مقایسه‌ی نقش و کارکرد فواصل در تفسیر و تبیین آیات در دو تفسیر المیزان و تسنیم پرداخته شده و متفاوت از این مقاله است.

۱. مفهوم‌شناسی فاصله

«فاصله» اسم فاعل از ریشه «فصل» به معنای چیزی است که با جداسازی دو قسمت از یکدیگر باعث تمییز دادن و آشکار شدن آن‌ها می‌گردد (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۴: ۵۰۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۵۲۱).

در معنای اصطلاحی فاصله تعاریف زیادی وجود دارد. برخی آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود (رمانی، ۱۳۸۷ق: ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷م: ۶۱). زرکشی (۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۴۹) و سیوطی (بی‌تا، ج ۲: ۲۶۶) فاصله را کلمه‌ی آخر آیه مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می‌کنند. برخی اواخر آیات را فاصله دانسته‌اند، بی‌آنکه مشخص سازند منظور حرف، واژه یا جمله‌ی آخر آیه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۵۲۴). همچنین گفته شده است: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» (حسنای، ۱۴۰۶ق: ۲۹). تعاریف فوق جامع و مانع نبوده و شامل همه‌ی فواصل لفظی و دلالتی نمی‌شود. از این رو با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان تعریف دقیق‌تری ارائه کرد: فاصله دارای دو جنبه‌ی صوتی و دلالتی است؛ از جنبه‌ی صوت: فواصل، حروف پایانی آیات هستند که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشند؛ و از جنبه‌ی دلالت: فواصل، عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات‌اند که دارای اهداف خاصی بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی قوی و وثیقی دارند» (آخوندی، ۱۴۰۲: ۳۱؛ ۱۳۹۵: ۸۱-۹۶).

در پژوهش حاضر به جنبه‌ی دلالتی فواصل پرداخته شده و ارتباط معنایی آن‌ها با محتوای آیات در تفسیر المیزان مورد توجه واقع شده است.

۲. روابط فواصل

یکی از جذاب‌ترین مباحث مربوط به فواصل، بحث روابط آن‌هاست. با مراجعه به تفسیر المیزان، انواع ارتباطات فواصل (ارتباط فواصل با یکدیگر، با آیات و با سوره) را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲. روابط فواصل آیات شبیه یا نزدیک به هم

۱-۱-۲. آیات شبیه به هم

برخی آیات در قرآن با وجود تشابه محتوا، فواصل متفاوتی دارند. دو نمونه از این نوع در تفسیر میزان:

- آیات «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره، ۴۵) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۳) علی‌رغم محتوای یکسانی که دارند با دو فاصله‌ی متفاوت پایان یافته‌اند. علامه علت تفاوت را توجه بیشتر به صبر در آیه‌ی دوم، بر خلاف توجه بیشتر به نماز در آیه‌ی اول می‌داند. در واقع آیه‌ی دوم درصدد آماده ساختن افراد برای رویارویی با سختی‌های جهاد و تقابل با دلاوران سپاه دشمن است و از این رو تأکید مضاعفی بر صبر و استقامت شده است؛ لذا می‌فرماید: خدا با صابران همراه است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۸۲). بنابراین فاصله در آیه‌ی اول با محتوای همان آیه و آیات قبل که درباره‌ی نماز است، ارتباط دارد و فاصله در آیه‌ی دوم با آیات بعد مرتبط شده است.

- آیات «لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ» (هود، ۲۲) و «لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ» (نحل، ۱۰۹) شباهت زیادی با هم دارند، جز اینکه اولی با «الْأَخْسَرُونَ» و دومی با «الْخَاسِرُونَ» پایان یافته است. به باور علامه در سوره‌ی هود، فاصله‌ی آیه صفتی افزون بر صفات ذکر شده در سوره‌ی نحل برای زیان‌کاران آورده است؛ بدین معنا که علاوه بر اینکه خود به راه حق نرفتند، مانع حق‌طلبی دیگران نیز شدند (همان، ۱۲: ۵۴۴-۵۴۵).

۲-۱-۲. آیات هم موضوع

برخی آیات از نظر محتوا در یک موضوع قرار دارند و بررسی فواصل آن‌ها می‌تواند به فهم بهتر آیات کمک کند. علامه در تفسیر آیه‌ی «ثُمَّ لَا تَأْتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ

أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف، ۱۷) بر اساس تفسیر قرآن به قرآن، از کنار هم قرار دادن فرجام آیات دیگر درباره‌ی شیطان، به مطلب جالبی می‌رسد:

قرآن کریم داستان ابلیس را نقل و در انتها به جای «وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» عبارات دیگری را ذکر فرموده است؛ مثلاً در آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی اسراء پس از نقل این داستان، از قول ابلیس می‌فرماید: «لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا» و در آیات ۸۲-۸۳ سوره‌ی ص می‌فرماید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ». لذا می‌توان گفت که مقصود از شاکرین در آیه‌ی مورد بحث، همان مخلصین است که در سایر آیات آمده است (همان، ۸: ۴۲).

کنار هم قرار دادن دو فاصله، بیانگر آن است که «شاکرین» با «مخلصین» یکی هستند و بر اساس پایان آیه‌ی سوره اسراء می‌توان کم بودن تعداد این‌گونه افراد را نتیجه گرفت.

- در تفسیر آیه‌ی «قَالَ رَبُّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (یوسف، ۳۳) نیز با کنار هم گذاشتن فرجام چند آیه به نکته‌ی جالبی می‌رسیم که بیانگر پیوند معنایی فواصل این آیات است. علامه ابتدا اشاره می‌کند که نیروی قدسی که حضرت یوسف (ع) خود را با آن در برابر زلیخا حفظ کرد از نوع معارف بوده است؛ چرا که در همین آیه به خدا عرض می‌کند: «اگر مرا ننگه نداری از جاهلان می‌شوم». حال آنکه اگر منظور معارف نبود، باید شبیه آنچه به همسر عزیز گفت، بیان می‌کرد که «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف، ۲۳) و یا چنانکه به ملک گفت: «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ» (یوسف، ۵۲). اما اختلاف تعبیر «جاهلون»، «ظالمون» و «خائنین» چه دلیلی دارد؟

اختلاف تعبیر با وجود مطالب یکسان به دلیل تفاوت فهم مخاطب است. خطاب به زلیخا این عمل را ظلم، خطاب به ملک، خیانت و خطاب به خداوند، حقیقت امر را عنوان کرده است که بی‌اختیاری در برابر زنان جهالت است (همان، ۱۱: ۲۴۳). بنابراین با مقایسه‌ی فواصل آیات، نتیجه‌ی ظریفی به دست می‌آید.

۲-۲. ارتباط فواصل در یک سوره

برخی آیات در یک سوره از نظر محتوا و مضمون نزدیک به هم بوده و در کنار هم واقع شده‌اند، ولی دارای فواصل متفاوت یا نزدیک به هم هستند. آیا می‌توان این فواصل را جابه‌جا کرد؟ مفسران برای پاسخ به این پرسش به موضوع تناسب درونی آیات و اعجاز بیانی آیات پرداخته‌اند. - آیات ۲۳۱ و ۲۳۳ سوره بقره به ترتیب درباره‌ی طلاق همسران و شیر دادن فرزندان است. آیه‌ی نخست با صفت «علیم» پایان یافته و آیه‌ی دوم با صفت «بصیر». به اعتقاد علامه طباطبایی مقصود از سفارش به تقوا در «وَاتَّقُوا اللَّهَ» در آیه‌ی ۲۳۳ اصلاح اعمال ظاهری است؛ لذا در انتهای آیه فرمود: «أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ اما در آیه‌ی ۲۳۱ چون نهی از زیان رساندن است، چه زیان آشکار و چه قصد و نیت زیان رساندن که از امور قلبی است، بنابراین تعبیر «علیم» از «بصیر» بهتر است؛ از این رو فرمود: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (همان، ۲: ۳۴۱).

- در هر سه آیه‌ی ۹۷ تا ۹۹ سوره‌ی انعام نعمت‌های خدا به انسان شمرده شده است، اما فرجام آن‌ها متفاوت است. آیه‌ی اول با «قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»، آیه‌ی دوم با «قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ» و آیه‌ی سوم با «إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» پایان یافته‌اند. چه دلیلی برای این اختلاف تعبیر در پایان آیات وجود دارد؟ چرا این واژه‌ها جابه‌جا نشده‌اند؟ علامه پاسخ می‌دهد که:

«خدای تعالی در این آیات برخی از چیزهایی را که به دست قدرت خود آفریده، خاطر نشان ساخته تا آنان که دارای عقل و بصیرت‌اند در خلقت آن‌ها نظر کرده، بدین وسیله به توحید خدای تعالی راه یابند. بعضی از چیزها که یاد شده‌اند اموری هستند مربوط به زمین، مانند شکافته شدن دانه‌های گیاهان و هسته‌های درختان و مانند آن‌ها و بعضی دیگر اموری مربوط به آسمان هستند... خدای تعالی در این آیات ستارگان را آیتی مخصوص مردم دانا و انشاء نفوس بشری را نشانه‌ای ویژه برای مردمان فقیه و تدبیر در نظام روئیدنی‌ها را آیتی خاص برای مردم با ایمان

شمرده است. این به دلیل مناسبتی است که در آیات وجود دارد؛ مثلاً نظر در تدبیر نظام را از این جهت اختصاص به مردم با ایمان داد که تفکر در آن احتیاج به درس خواندن و دانش آنچنانی ندارد، بلکه هر فهم عادی نیز می‌تواند در آن نظر کرده و از دقتی که در آن به کار رفته یی به صانع آن ببرد. البته به شرط اینکه همین مقدار فهم عوامی‌اش به نور ایمان روشن بوده و آلودگی‌های عناد و لجاج آن را آلوده نکرده باشد. اما هر کسی نمی‌تواند در ستارگان و اوضاع آسمان نظر کرده، از آن سر در آورد و به دقایقش پی ببرد، آن مخصوص دانشمندانی است که تا حدی آشنایی و آگاهی به دست آورده باشند. همچنین است سردرآوردن از ویژگی‌های نفس و اسرار خلقت آن، که علاوه بر داشتن مؤونه علمی کافی محتاج به مراقبت باطن و تهذیب نفس است» (همان، ۷: ۴۴۵).

علامه درباره‌ی تفاوت فواصل آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره‌ی انعام، ۶۵ و ۶۶ سوره‌ی انفال، ۱۱ تا ۱۳ و ۶۵ تا ۶۹ سوره‌ی نحل، ۷۱ و ۷۲ سوره‌ی قصص، ۲۶ و ۲۷ سوره‌ی سجده، ۳ تا ۵ سوره‌ی جاثیه نیز توضیحات زیبایی داده است.

۲-۳. ارتباط فاصله با محتوای آیه

حکیم آن است که اجزای کلامش در ارتباط و پیوند معنایی با یکدیگر باشند. کلام الهی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ از این رو جملات درون آیه با یکدیگر مرتبط و پیوسته هستند. در این میان جمله‌ی پایانی نقشی ویژه و منحصر به فرد است. مفسر نمی‌تواند نسبت به ارتباط صفات پایان آیات با محتوای آیه بی‌تفاوت باشد. علامه طباطبایی نیز اهتمام ویژه‌ای در تبیین این ارتباط دارد. با مراجعه به تفسیر المیزان، نوآوری‌های ایشان در بیان این پیوند نمایان می‌شود:

۱. در تفسیر آیه‌ی «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (نمل، ۸۸) دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اما علامه با توجه به سیاق، آیه را در رابطه با حوادث روز قیامت دانسته و «وَيَوْمَ يُنْفَعُ» در آیه‌ی قبل را

نوآورانه‌های میزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه / علی اصغر آخوندی ۲۱

ظرف برای «إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» گرفته است. البته ایشان قرائت «بفعلون» (با یاء) را بر قرائت متداول «تفعلون» ترجیح می‌دهد. در این صورت معنا چنین می‌شود: «خدا به آنچه اهل آسمان‌ها و زمین کنند، در روزی که در صور دمیده می‌شود و همه با خواری نزدش می‌آیند، دانا و باخبر است. هر کس حسنه آورده باشد، به بهتر از آن پاداش داده می‌شود و هر کس سیئه آورده باشد، با صورت به جهنم انداخته می‌شود و همه جزای عمل خود را می‌بینند» (۱۵: ۶۳۳). اهتمام علامه نسبت به پیوند معنایی جملات و به ویژه فاصله‌ی آیات با یکدیگر و حتی با سیاق در تفسیر این آیه به خوبی مشاهده می‌شود.

۲-۳-۱. تناسب اسما و صفات الهی با مضمون آیه

طبق آمار، حدود ۶۱۴ آیه با اسامی و صفات خدای متعال پایان می‌پذیرد. از این میان ۲۷۱ آیه با یک صفت، مانند «فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۱۵) و ۳۴۳ آیه نیز با دو صفت پایان یافته‌اند؛ مانند: «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۲۱۸).

- علامه در تفسیر آیه‌ی «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (رعد، ۹) علت آمدن دو صفت «الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» را به دنبال «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ» این نکته می‌داند که مجموع این دو اسم نشانه این است که خداوند بر همه چیز محیط و مسلط است و هیچ چیزی بر او مسلط نیست و هیچ غیبی بر او غالب نیست تا با غیبتش خارج از حیطه‌ی علم او شود؛ همچنان که هیچ آشکار و شهادتی هم بر او تسلط ندارد. پس عالم به غیب و شهادت بودن باری تعالی به واسطه‌ی کبیر و متعال بودن اوست (۱۱: ۴۷۴).

- همچنین ذکر دو صفت «حکیم» و «علیم» از میان اسمای حسنا‌ی خداوند در پایان آیه‌ی «وَإِنَّكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل، ۶) را به این دلیل می‌داند که نزول قرآن از سرچشمه‌ی حکمت است و به همین خاطر هیچ ناقضی نمی‌تواند آن را نقض کرده و هیچ عامل وهنی نمی‌تواند آن را موهون سازد. همچنین از منبع علم است. پس هیچ دروغی در اخبار آن نیست و خطایی در قضاوتش راه ندارد (۱۵: ۵۲۴).

بنابراین، علامه طباطبایی (ره) بر این باور است که میان اسما و صفات پایانی آیات با محتوای آیه مناسبت و پیوند برقرار است و این پیوند در تفسیر نمایان می‌شود.

عدم امکان جابه‌جایی صفات و اسماء الهی: از آنجا که علامه شبهات پیرامون آیات را با تحلیل فواصل و به ویژه صفات پایانی آیات پاسخ داده‌اند، دریافت می‌شود که انتخاب آن‌ها بر اساس حکمت بوده و جابه‌جا کردن آن‌ها ممکن نیست. بنگرید به نمونه‌های زیر:

- آیهی «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء، ۱۷) ظاهراً باید با «غفوراً رحیمًا» یا «تواباً رحیمًا» ختم می‌شد، اما پایان‌بخش آیه عبارت «وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» است. از نظر علامه، خداوند در صدد بیان آن است که از باطن گناهکاران خیر دارد و فریب ظاهرشان را نمی‌خورد (۴: ۳۸۵).

- ایشان عبارت «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» را در آیهی «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء، ۲۶) ناظر به تمام مطالب آیه می‌داند؛ چرا که اگر فقط به مطلب آخر آیه برمی‌گشت، مناسب بود بفرماید: «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۴: ۴۳۳).

- در آیهی «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یوسف، ۸۳) شاید به ذهن خطور کند که حضرت یعقوب (ع) با گفتن «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً» در حال درخواست از محضر خداوند است؛ اما علامه توضیح می‌دهد که:

«این جمله صرف اظهار امید نسبت به بازگشت فرزندان است. به اضافه اشاره به این‌که به نظر او یوسف هنوز زنده است و به هیچ وجه معنای دعا از آن برداشت نمی‌شود. زیرا اگر دعا بود مناسب بود که به جای «إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» بگوید: «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و امثال آن، از عباراتی که در ادعیه قرآنی است» (۱۱):

(۳۶۱-۳۶۲).

- آیهی «مَا خَلَقْنَاكُمْ وَلَا بَعَثْنَاكُمْ إِلَّا كَفَافًا وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (لقمان، ۲۸) درباره‌ی امکان معاد است. خداوند در پاسخ اعتراض مشرکین که چگونه معاد امکان‌پذیر است،

نوآورانه‌های الیمیزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه / علی اصغر آخوندی ۲۳

می‌فرماید: خلقت و برانگیختن همه‌ی شما با تمام کثرت، مانند آفرینش و برانگیختن یک نفر است. به نظر می‌آید که انتهای آیه باید صفاتی مانند قوی و عزیز بیاید، اما سمیع و بصیر آمده است؛ چرا که قدرت و قوت و مانند آن‌ها با خلقت و بعث ارتباط دارد، نه با بینا و شنوا بودن. علامه پاسخ می‌دهد که آیه‌ی شریفه در مقام پاسخ به اعتراض و اشکالی است که در ذهن مشرکین بوده است. آن اشکال این است که هزاران عمل، از میلیون‌ها آدم چطور ضبط می‌شود و در هنگام جزا دادن مخلوط و مشتبه نمی‌گردد. ایشان اشکال مشرکین را متوجه جمله‌ی «فَنَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا» در آیات قبل می‌داند (۱۶: ۳۶۶-۳۶۷).

علامه ارتباط و پیوند آیه با ماقبل را به خوبی تبیین کرده و بیان می‌دارد که اگر صفات و اسماء دیگری از ذات حق در آیه قرار می‌گرفت، معنا کاملاً دگرگون می‌شد و ارتباط معنایی فاصله با قبل به هم می‌خورد. در نتیجه هر کدام از اسماء و صفات دقیقاً در جای خود به کار رفته و کوچک‌ترین جابه‌جایی در آن‌ها به فصاحت و بلاغت قرآن خدشه وارد می‌سازد.

- علاوه بر این‌ها می‌توان به تفسیر آیات ۱ سوره‌ی ابراهیم (۱۳: ۱۵-۱۶)، ۷۷ نحل (۱۲: ۴۶۴)، ۷۴ حج (۱۴: ۶۰۷)، ۸ غافر (۱۷: ۴۹۲-۴۹۳)، ۱ حجرات (۱۸: ۴۸۳) و ... اشاره کرد.

۲-۳-۲. گونه‌های پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه

وجود پیوند معنایی پایان آیات با محتوای ماقبل روشن است. اما آیا این پیوندها در همه‌ی آیات یکسان است؟ یا از کیفیت و انواع متعددی برخوردار است؟ با بررسی فواصل می‌توان آن‌ها را از نظر موضوعی در انواع متعددی مانند تعلیل، تأکید، متمیم، تأیید، تفریع، تفسیر و توضیح، احتجاج، تلخیص و... تقسیم‌بندی کرد. همچنین نسبت به مخاطب، آیات ممکن است حالت تهدید، تنبیه، تحریک و تحریض و... داشته باشند. لذا پیوند جملات پایانی با مضمون آیات یکسان نیست. به طور کلی شناخت انواع ارتباط فواصل فهم بهتر معنای آیه را نیز به‌دنبال دارد. با بررسی تفسیر الیمیزان نوآوری علامه در این زمینه مشاهده می‌شود؛ تا حدی که در کمتر تفسیری می‌توان این حجم از ارتباط معنایی بین فاصله و محتوای آیه را یافت.

الف) گونه‌های پیوند معنایی از حیث موضوع:

فرجام برخی از آیات از جنبه موضوعی با ماقبل خود در ارتباط هستند. گونه‌هایی از این نوع را می‌توان در موارد بعدی پی گرفت:

۱. احتجاج و برهان محتوای آیه

بسیاری از آیات قرآن دارای استدلال‌های منطقی و فلسفی است. غالباً جملات پایانی آیات نیز مقدمه‌ی دوم قیاس را تشکیل می‌دهد. مفسر عالی‌قدر المیزان که از فیلسوفان بزرگ است، ذیل آیات متعددی به این مطلب اشاره کرده که فاصله‌ی آیه برهان و احتجاج بر مطالب آن است.

- از آن جمله می‌توان به آیه‌ی «اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه، ۸۰) اشاره کرد که ایشان جمله‌ی «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» را متمم تعلیل قبلی و سیاق آن را سیاق استدلال قیاسی می‌داند. مقدمه‌ی اول: «ایشان به خدا و رسولش کفر ورزیدند. پس ایشان فاسق‌اند» مقدمه‌ی دوم: «مغفرت، هدایت به سوی سعادت و بهشت برین است. خدا مردم فاسق را هدایت نمی‌کند». نتیجه: «مغفرت شامل ایشان نمی‌گردد» (۹: ۵۵۲).

- برخی مفسران جمله‌ی «وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ» در آیه‌ی شریفه‌ی «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ» (حج، ۷۱) را تهدید مشرکان می‌دانند؛ بدین معنا که مشرکین یار و یآوری ندارند که آن‌ها را از عذاب محافظت کند. علامه براساس سیاق این دیدگاه را رد می‌کند و چنین می‌گوید:

«از سیاق برمی‌آید که ظاهراً جمله‌ی نامبرده در مقام احتجاج است و آن اینکه مشرکین برهان و علمی به خدایی شرکائشان ندارند. اگر چنین حجت و علمی داشتند، آن یاورشان می‌شد. چون برهان، یاور صاحب برهان است و علم، یاور عالم است؛ لکن مشرکین ظالم‌اند و برای ظالمان یآوری نیست. پس به همین دلیل برهان و علمی هم ندارند. این از لطیف‌ترین احتجاجات قرآنی است» (۱۴: ۶۰۴).

- ایشان جمله‌ی «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» را نیز در آیه «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (حج، ۷۵) حجت و برهانی می‌داند بر نیاز به پیامبر و دلیل بر ارسال رسول. یعنی نوع بشر به طور فطری محتاج هدایت الهی‌اند، برای راهیابی به سعادت و کمالی که برای آن خلق شده‌اند؛ همانند نیاز سایر انواع موجودات به هدایت. پس مسئله‌ی نیاز به هدایت، عمومی بوده و خدای سبحان شنوا و بینا به نیاز فطری انسان به هدایت است. پس مقتضای سمیع و بصیر بودن او این است که رسول بفرستد تا ایشان را به سوی سعادت و کمالشان هدایت کند (۱۴: ۶۰۸).

۲. بیان قانون کلی

در موارد بسیاری، محتوای آیه مسائل جزئی و جمله‌ی پایانی، قانون عام و کلی را بیان می‌دارد؛ یعنی ارتباط و پیوند برقرار شده از جزء به کل است؛ جملاتی مانند «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران، ۱۴۰)، «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره، ۱۴۹)، «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور، ۶۴) و ... را که بیانگر قانون عام و کلی هستند، در پایان بسیاری از آیات می‌توان مشاهده کرد.

علامه جمله‌ی «وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا» را در پایان آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی فرقان به صراحت از قبیل وضع قانون عمومی در جای حکم خاص معرفی می‌کند؛ چرا که اگر منظور از آن حکم خصوصی بود، شایسته بود بفرماید: «و نذیقکم بما ظلمتم عذاباً کبیراً». برای اینکه همه‌ی آنان به ظلم شرک، ظالم بودند. در واقع حکم الهی نافذ است و کسی نمی‌تواند مانع آن شود یا آن را تأخیر اندازد. گویا فرمود: و چون معبودهای شما، شما را تکذیب کنند و نتوانند بلاگردان و یا یار شما باشند، پس شما به طور قطع عذاب خواهید شد (۱۵: ۲۷۳-۲۷۴).

۳. بیان غایت، هدف و غرض آیه

متکلم گاهی هدف سخن خود یا دلیل آنچه از مخاطب می‌خواهد را در پایان کلام خود بیان می‌کند. این مسئله در بسیاری از آیات قرآن، به‌ویژه آنجا که «لعل» در انتهای آیه آمده است،

مشاهده می‌شود. عبارت بعد از «لعل» هدف و غایت آیه را مشخص می‌نماید. نمونه‌های بسیاری در تفسیر المیزان وجود دارد، از جمله:

- عبارت «وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» در پایان آیه‌ی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِيُنَجِّىَ الْفُلْكَ بِأَمْرِهِ وَلِيُنَبِّئَكُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (روم، ۴۶) هدف و نتیجه‌ی معنوی فرستادن باد است. همچنان که بشارت باد و چشاندن رحمت و جریان کشتی‌ها و به دست آوردن فضل خدا نتایج صوری و مادی آن بود. لذا از تعبیر «لعل» استفاده کرد که امید را می‌رساند. چون نتایج معنوی تخلف‌پذیر است؛ یعنی ممکن است مردم شکر او را به جا نیاورند، فرمود تا شاید شکر بگزارید. خلاف نتایج مادی نامبرده که تخلف‌پذیر نیست وقتی باد بوزد، نتایج نامبرده را در پی دارد (۱۶: ۳۱۴-۳۱۵).

- جمله‌ی «لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» در آیه‌ی «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» (سجده، ۳) غایتی برای ارسال رسول است، اما نه غایتی حتمی، بلکه رجائی و احتمالی. هدایت یافتن قوم نتیجه و غایت رسالت رسول خدا (ص) است، اما نتیجه‌ی احتمالی (۱۶: ۳۸۲).

- یا تعبیر «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» در آیه‌ی «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف، ۳) غایت و غرض عربی قرار دادن قرآن را بیان می‌کند (۱۸: ۱۳۰).

از منظر علامه اگرچه کلمات بعد از «لعل» هدف و غایت آیه را ذکر می‌کنند، اما چون تخلف‌پذیر هستند از واژه «لعل» استفاده شده است.

۴. تأکید محتوای آیه

باتوجه به محل قرار گرفتن در آیه، فاصله می‌تواند تأکیدی بر محتوای کل یا بخشی از آیه باشد. در تفسیر المیزان موارد بسیاری از این قبیل مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، علامه جمله‌ی «وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» در آیات ۸۵ سوره‌ی هود و ۱۸۳ شعراء را نهی تأکیدی از کم‌فروشی و کم کردن مکیال و میزان که نوعی فساد در زمین است، برشمرده است (ر.ک: ۱۰: ۵۵۲ و ۱۵: ۴۷۴).

نوآورانه‌های المیزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه / علی اصغر آخوندی ۲۷

همچنین است جمله‌ی «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً» در پایان آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی نساء که علامه آن را تأکیدی بر لزوم اعطاء نصیب هر کسی معرفی کرده است (۴: ۵۰۶). یا جمله‌ی «وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» در پایان آیه‌ی ۱۰۰ همین سوره که تأکیدی بر وعده‌ی نیکویی است که خداوند راجع به لزوم پرداختن کامل اجر و ثواب فرموده است (۵: ۸۷).

نمونه‌های دیگری که در آن‌ها علامه جمله، پایانی را تأکید مضمون و محتوای همه یا قسمتی از آیه دانسته است، عبارت‌اند از آیات: ۶ آل عمران (۳: ۲۳)، ۱۴۸ نساء (۵: ۱۹۵)، ۵۷، ۸۷ و ۹۰ مائده (۶: ۴۳، ۱۶۹، ۱۹۲)، ۷۹ انعام (۷: ۲۹۹)، ۱۳ و ۲۰۵ اعراف (۸: ۳۸، ۵۷۲-۵۷۳)، ۴۶ انفال (۹: ۱۴۷)، ۷۶، ۱۰۷ و ۱۰۹ هود (۱۰: ۴۹۷-۴۹۸؛ ۱۱: ۵۳، ۶۸)، ۵ و ۱۰۸ یوسف (۱۱: ۱۲۴، ۴۳۱)، ۱۴ رعد (۱۱: ۴۹۲)، ۲۴ ابراهیم (۱۲: ۸۸)، ۹۱ و ۱۱۰ نحل (۱۲: ۵۱۱، ۵۴۵-۵۴۶)، ۵ اسراء (۱۳: ۶۸)، ۴۱ حج (۱۴: ۵۷۶)، ۵ و ۶ عنکبوت (۱۶: ۱۶۰-۱۶۱)، ۵۰ سوره‌ی سبأ (۱۶: ۶۱۱)، ۳۴ غافر (۱۷: ۵۲۶)، ۱۳ حجرات (۱۸: ۵۱۹)، ۳ ممتحنه (۱۹: ۴۶۹).

۵. تأیید محتوای آیه

فاصله در برخی از آیات می‌تواند تأیید کننده‌ی تمام یا قسمتی از محتوای آیه باشد. به عنوان نمونه علامه دو صفت «عزیز» و «وهَّاب» در پایان آیه‌ی «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص، ۹) را تأییدی بر مطالب آیه می‌داند؛ به این معنا که هیچ سهمی از خزینه‌های رحمت خدا به دست مردم نیست؛ زیرا خدا عزیز و مقامش منبع است. همچنین کسی نمی‌تواند مانع رسیدن رحمت خدا به احدی شود، زیرا خدا بسیار بخشنده وهَّاب است (۱۷: ۲۹۲).

در آیه‌ی «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ» (ملک، ۲)، به اعتقاد علامه «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ» مطالب صدر آیه را تأیید نموده و می‌فهماند که او عزیز است؛ چرا که ملک مطلق و قدرت مطلقه‌ی مخصوص اوست و هیچ کس نمی‌تواند

بر او غالب شود. همچنین می‌فهماند که او غفور است؛ چرا که بسیاری از گناهان را در دنیا عفو می‌کند و بسیاری از آن‌ها را طبق وعده در آخرت می‌آمرزد (۲۰: ۹).

۶. تثبیت معنای آیه

دیگر گونه پیوند معنایی فاصله، تثبیت معنا و محتوای آیه یا قسمتی از آن است که در تفسیر برخی آیات در میزان آن را مشاهده می‌کنیم؛ مثلاً در تفسیر آیه «وَلَيْكَ حُجَّتُنَا آتِنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام، ۸۳) آمده است: «در آخر کلام می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» تا این معنا را که همه‌ی برتری‌ها و امتیازاتی که خداوند به ابراهیم داده، از روی علم و حکمت بوده، تثبیت کند» (۷: ۳۱۸).

۷. تنمیم معنای آیه

علامه طباطبایی بسیاری از فواصل آیات را متمم جمله‌ی قبل یا تعلیل سابق می‌داند؛ مثلاً جمله‌ی «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» در آیه‌ی «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۶۸) را تنمیم تعلیل و بیانی که آیه بر آن دلالت دارد، می‌داند؛ چرا که ولایت ابراهیم (ع) از ولایت خدا بوده و خدا هم ولی مؤمنان است، نه آنکه ولی کافران باشد (۳: ۱۳۴).

در آیه‌ی «وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانٍ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (مائده، ۱۰۴) می‌توان پرسید که فایده‌ی ذکر «وَلَا يَهْتَدُونَ» بعد از جمله‌ی «أُولُو كَانٍ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا» چیست؟ علامه طباطبایی بر این باور است که جمله‌ی «أُولُو كَانٍ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا» به تنهایی در تمامیت دلیل کافی نیست و جمله‌ی پایانی در حقیقت برای اتمام معنای این جمله آمده است. همچنین روشن می‌شود که دلیل وقتی تمام است که جمله‌ی «وَلَا يَهْتَدُونَ» هم در کلام ذکر شود؛ زیرا ممکن است کسی بگوید درست است که تقلید جاهل از جاهل غلط است و لکن ما

از پدران جاهلی تقلید می‌کنیم که راهنمایان عالم و خبیری داشته‌اند و تقلید جاهل از چنین جاهلی غلط نیست. از آنجا که جای چنین اعتراض و پاسخی وجود داشت، برای تتمیم حجت فرمود: «لَا يَعْلَمُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ»؛ نه تنها پدران شما جاهلند، بلکه در زندگی راهنمایی نیز نشده‌اند و از چنین کسانی به هیچ وجه نمی‌توان تقلید کرد (۶: ۲۵۰).

برخی از مفسران جمله‌ی «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» را در آیه‌ی «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه، ۵۱) جمله‌ای مستأنف و غیرمربوط به ماقبل می‌دانند، اما مفسر گران‌قدر المیزان بر این باور است که این جمله معطوف به ماقبل و متمم جمله قبل از خود است و معنای آن را تمام می‌کند. معنای ماقبل آن این است که ولایت و اختیار امر با خداست و ما به او ایمان داریم. لازمه‌ی این ایمان آن است که بر او توکل کرده و امر خود را به او واگذار کنیم، بدون آنکه در دل، حسنه و موفقیت در جنگ را بر سیئه و شکست خوردن ترجیح داده آن را اختیار کنیم. بنابراین اگر خداوند حسنه را روزی ما کرد، منتی بر ما نهد و اگر سیئه را اختیار کرد، مشیت و اختیارش بدان تعلق گرفته و ملامت و سرزنشی بر ما نیست و خود ما هم ناراحت و اندوهگین نمی‌شویم (۹: ۴۷۷).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که علامه طباطبایی فواصل برخی آیات را متمم محتوا و مضمون آیه می‌دانند. در همین راستا می‌توان به آیات ۱۸ آل عمران (۳: ۲۲۲-۲۲۳)، ۶۵ طه (۱۴: ۲۷۷)، ۱۱۷ مؤمنون (۱۵: ۱۰۸)، ۳۴ نور (۱۵: ۲۱۱) و ۳ ممتحنه (۱۹: ۴۶۹) اشاره کرد.

۸. تعلیل متن آیه

یکی از عام‌ترین گونه‌های پیوند معنایی فاصله با آیه در تفسیر المیزان «تعلیل» است؛ یعنی جمله‌ی پایانی بیان علت محتوای آیه یا قسمتی از آن مانند نهی، استثناء و مانند آن‌هاست. با مرور این تفسیر، بیش از ۱۵۰ آیه را می‌توان یافت که فرجام آن، تعلیل ماقبل معرفی شده است. - عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» در پایان آیه‌ی «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل، ۱۸) نعمت‌های بسیار خداوند را تعلیل می‌کند. از دیدگاه علامه این یکی از دقیق‌ترین و لطیف‌ترین تعلیل‌هاست، زیرا با این تعبیر می‌فهماند که خروج نعمت از حد

شمارش از برکات دو صفت مغفرت و رحمت اوست. با مغفرتش وبال نقص و قصور اشیا را می‌پوشاند و با رحمتش که اتمام نقص و رفع حاجت است، خیر و کمال هر چیزی را ظاهر می‌سازد و به زیور جمال می‌آراید. بنابراین مغفرت و رحمت خدا شامل همه‌ی موجودات می‌شود؛ چون هر چیزی را که فرض کنی، برای چیز دیگری خیر و مطلوب است و برای او نعمت است. پس نعمت خدا همان سعه و عمومیت را دارد که مغفرت و رحمتش دارد (۱۲: ۳۲۱).

- در آیه‌ی «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (احزاب، ۴۳) جمله‌ی «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» در حکم علت برای «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ» است و معنای آیه چنین است که خداوند بر شما صلوات و درود می‌فرستد؛ زیرا عادت او این است که بر مؤمنان رحمت فرستد. شما هم مؤمن‌اید؛ بنابراین شایسته‌اید که درود و صلوات بر شما بفرستد تا شما را رحمت کند (۱: ۵۰۹).

- جمله‌ی «إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» در پایان آیه «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» (هود، ۱۰۷) تعلیل استتنا و نیز تأکید بر ثبوت قدرت مطلقه است و می‌رساند که خدای متعال در حالی که عملی را انجام می‌دهد، قدرت برخلاف آن را نیز دارد (۱۱: ۵۳).

- عبارت «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» در پایان آیه‌ی «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ نِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۶۰) تعلیل حکمی است که تشریح کرده و معنایش آن است که خدا به آنچه زنان به فطرت خود درخواست دارند، شنواست و به احکامی که به آن محتاج‌اند، داناست (۱۵: ۲۳۴).

آیات فراوانی در این دسته قرار می‌گیرد؛ تا آنجا که علامه نیز بیش از سایر انواع پیوند معنایی، به «تعلیل» فاصله نسبت به محتوا و مضمون آیه پرداخته است.

۹. تفریع و نتیجه‌گیری از محتوا

اینکه متکلم سخن خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که در پایان آن نتیجه‌گیری کند، امری طبیعی است. حتی گاهی کلام به واحدهای کوچکتری تقسیم و در پایان هر واحد نیز از

نوآورانه‌های المیزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه / علی اصغر آخوندی ۳۱

مباحث مطرح شده در آن نتیجه‌گیری به عمل می‌آید. هر کدام از آیات قرآن واحدی از یک سوره است که در مواقع بسیار مطلب کاملی را ارائه می‌دهد؛ لذا هر آیه می‌تواند با نتیجه‌گیری از مطالب آن پایان پذیرد. علامه طباطبایی (ره) عبارت پایانی بسیاری از آیات را تفریع و نتیجه‌گیری از محتوای همان آیه می‌داند.

- مثلاً جمله‌ی «وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» در آیه «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام، ۶۲) نتیجه‌ی مطلب پیش از خودش است؛ بدین معنا که خدای متعال حساب عمل مردم را از زمان مناسب تأخیر نمی‌اندازد. اگر هم به ظاهر حساب و پاداش عملی به تأخیر می‌افتد برای رسیدن زمان مقتضی است (۷: ۲۱۰).

- تعبیر «فَتَكُونُ مِنَ الْخَاسِرِينَ» در آیه‌ی «وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (یونس، ۹۵) تفریع بر تکذیب به آیات خدا و نتیجه و عاقبت آن است. بنابراین منهی‌عنه حقیقی است و معنی آن (ولا تکن من الخاسرین) است (۱۰: ۱۹۷).

- همچنین است عبارت «وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ» در پایان آیه‌ی «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ» (هود، ۱۰۳) که به منزله‌ی نتیجه و تفریعی است که بنا به ظاهرش بر جمله‌ی قبل از آن یعنی «ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ» مترتب شده است. زیرا جمع شدن مردم مستلزم مشاهده نیز هست (۱۱: ۱۲).

مفسر المیزان تفریع و نتیجه‌گیری را در آیات دیگری از جمله آیات ۱۵۷ بقره (۱: ۵۱۰)، ۵۸ و ۱۰۰ مائده (۶: ۴۳-۴۴، ۲۳۵)، ۱۷ اعراف (۸: ۴۳)، ۱۴ و ۸۱ نحل (۱۲: ۳۱۶-۳۱۷)، ۴۸۰، ۲۴ نمل (۱۵: ۵۵۱)، ۴۶ روم (۱۶: ۳۱۴-۳۱۵)، ۳ سجده (۱۶: ۳۸۲)، ۳۷ فاطر (۱۷: ۷۴) و ۱۵ و ۳۳ یس (۱۷: ۱۱۳، ۱۳۳) بیان کرده است.

۱۰. تفسیر، توضیح و تبیین محتوای آیه

علامه طباطبایی (ره) در مواردی فاصله را توضیح و تبیین بیشتر آیه یا قسمتی از آن می‌داند؛ یعنی جمله‌ی فاصله، ابهامی را که در محتوای آیه یا قسمتی از آن است، از بین می‌برد؛ مثلاً

عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» در پایان آیهی ابلاغ (مائده، ۶۷) روشنگر جملهی قبل از خود «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» است. به این معنا که در اطلاق آن تصرف کرده و آن را شامل تمامی انواع محت‌ها دانسته که ممکن بود در مقابل تبلیغ این حکم و یا غیر آن باشد. آزارهایی که در خصوص این حکم و قبل از موقفیت به اجرای آن ممکن بود از دشمنان برسد؛ مانند اینکه حضرت را در حین تبلیغ این حکم به قتل برسانند یا بر او شوریده و اوضاع را دگرگون سازند یا او را به باد تهمت‌هایی بگیرند که باعث ارتداد مردم شود و یا حيله‌ای بیاندیشند که این حکم را قبل از اینکه به مرحله‌ی عمل برسد، از بین ببرند. اما خدای متعال، حق و دین مبین خود را بر هر چیز بخواهد و هر کجا و هر وقت و به دست هر کس که بخواهد، اقامه و اظهار می‌نماید (۶: ۸۴-۸۵).

- مفسر المیزان بر این باور است که «وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ» تفسیر کننده‌ی همه‌ی احوالات، روحیات و رفتارهای کسانی است که در آیه‌ی «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وِلًا وَلَا ذِمَّةً وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ» (توبه، ۱۰) مورد گفتگو قرار گرفته‌اند. همچنین این عبارت پاسخ سؤال مقدر هم هست که اگر عهدشکنی اعتدا و ظلم است، پس چرا خداوند دستور می‌دهد عهد این مشرکین را بشکنیم؟ جواب این است که این عهدشکنی ظلم نیست؛ به دلیل عداوتی که این مشرکین در دل‌هایشان پنهان داشته و بیشتر آنان آن عداوت را در مقام عمل اظهار داشته و از راه خدا و پیشرفت دین جلوگیری می‌کنند و در اعمال غرض‌های خود پای‌بند به هیچ قرابت و عهدی نیستند. پس تجاوزکار ایشان هستند نه شما (۹: ۲۴۲-۲۴۳).

- جمله‌ی «وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» در پایان آیه «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود، ۵۲) به منزله‌ی تفسیر «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا» است. بدین معنا که پرستش آنچه به جز خدا گرفته‌اید، گناه و معصیتی است که از شما سر می‌زند و موجب نزول غضب الهی بر شما می‌شود. پس از گناهکاری خود استغفار کنید و با ایمان به سوی او بازگردید تا بر شما رحم آورد و ابری پر بار و باران‌ریز بفرستد و نیرویی به نیروی‌تان اضافه کند (۱۰: ۴۵۷).

نواورانه‌های المیزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه / علی اصغر آخوندی ۳۳

آیات ۲۱۰ و ۲۴۷ بقره (۲: ۱۴۴، ۴۰۶)، ۲۵ انفال (۹: ۷۷-۷۸)، ۵۸ یونس (۱۰: ۱۳۴)، ۱۶، ۵۸ و ۸۴ هود (۱۰: ۲۷۳، ۴۶۳، ۵۵۲)، ۱۱ و ۲۰ رعد (۱۱: ۴۷۹، ۵۲۴)، ۶۹ یس (۱۷: ۱۷۰)، ۴۰ مریم (۱۴: ۷۳) و ۱۱ فاطر (۱۷: ۳۸) از این گونه است.

۱۱. تقریر معنای آیه

از دیگر گونه‌هایی که در تفسیر المیزان برای ارتباط معنایی برخی از فواصل آیات می‌توان یافت، تقریر معنای آیه است. تقریر غیر از تأیید و نوعی تصویب محتواست؛ مثلاً جمله‌ی «وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» با دو اسم «عزیز» و «حکیم» حکمی را که در آیه‌ی شریفه‌ی «مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (فاطر، ۲) آمده تقریر می‌کند. از آنجا که خداوند عزیز و غالب است، هرگز شکست نمی‌خورد؛ نه در وقتی که اعطا می‌کند، کسی جلوی اعطایش را می‌گیرد و نه وقتی که منع می‌کند، کسی منع کرده‌ی او را اعطا می‌کند. از سوی دیگر آنجا که اعطا می‌کند، عطایش ناشی از حکمت و مصلحتی است که می‌بیند و منعی ناشی از مصلحت و حکمتی است که در منع می‌بیند. در نتیجه به دلیل حکیم بودن خدا، اعطا و منعی همه از روی حکمت است (۱۷: ۲۰).

- در آیه‌ی ۲ سوره‌ی فرقان ابتدا در جمله‌های «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ» به بیان توحید و یکتایی ربوبیت و نفی فرزند و شریک برای خدا پرداخت و این معانی را از طریق اثبات ملک مطلق اثبات کرد. اما فقط به همین جملات اکتفا نکرد و لازم دانست جمله‌ی «وَوَخَّلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» را در پایان آیه برای تقریر و بیان معنای عموم ملک اضافه کند (۱۵: ۲۵۰).

۱۲. خلاصه محتوای آیه

چه بسا متکلم در پایان کلام خود خلاصه‌ای از آنچه بیان کرده است، بازگو نماید. در آیات قرآن نیز برخی از جملات پایانی چنین نقشی دارند؛ مثلاً در آیه‌ی «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل، ۱۱۹)

علامه معتقد است که جمله‌ی پایانی، برای بیان خلاصه‌ی محتوای آیه آمده است. فایده‌ی این خلاصه‌گیری هم پیش‌گیری از گمراهی در فهم شنونده و نیز توجه دادن به اینکه مغفرت و رحمت همواره بعد از توبه است (۱۲: ۵۶۴).

فرجام آیات ۶ آل‌عمران (۳: ۳۳) و ۱۱۰ نحل (۱۲: ۵۴۵-۵۴۶) نیز خلاصه‌ی محتوای آیه خویش است.

۱۳. زمینه‌چینی برای بعد

در فواصل مواردی را می‌توان سراغ گرفت که گرچه در پایان آیه آمده و به نحوی با محتوای آیه‌ی خود در ارتباط است، اما نقش و وظیفه‌ی اصلی آن زمینه‌چینی برای محتوای آیه‌ی بعدی است؛ مانند آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۳) توجه بیشتری به صبر دارد، بر خلاف آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی بقره که بیشتر به نماز توجه دارد. علامه علت تفاوت را در این می‌داند که آیه‌ی ۱۵۳ در مقام آماده ساختن افراد برای مواجهه با مشکلات جهاد و مقابله با لشکر دشمن است و باید به موضوع صبر و استقامت اهمیت بیشتری داده شود؛ لذا می‌فرماید: «خدا همراه صابران است» (۱: ۴۸۳).

- جمله‌ی «فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ» در پایان آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی حج «وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ» زمینه‌چینی است برای بعد خود، یعنی آیه‌ی ۶۹ «اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» تا کسانی را که با پیامبر خدا مجادله می‌کنند به حکم خدا ارجاع دهد. بدین معنا که خدا به آنچه می‌کنید، داناتر است و میان شما حکم می‌کند؛ حکم کسی که حقیقت را کاملاً می‌داند (۱۴: ۶۰۳).

ب) گونه‌های پیوند معنایی از حیث مخاطب

در مواردی ارتباط فرجام آیات درباره‌ی کسانی دانسته شده که در آیه از آنان سخن رفته یا مورد خطاب آیه‌اند. مفاهیمی از جمله تحریک و تهییج، تشبیه و توییح، تهدید و وعید، عتاب و مذمت در این بخش می‌گنجند.

۱. تحریک و تهییج

پایان سخن می‌تواند به‌گونه‌ای ادا شود که باعث تحریک و تشویق بر انجام کاری شود. فرجام برخی آیات قرآن نیز این‌گونه است. خدای تعالی آیهی «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل، ۶۷) را با جملهی «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» به پایان برد تا مردم را در تعقل و دقت در امر نباتات و میوه‌ها تحریک کند (۱۲: ۴۴۰).

۲. تنبیه و توبیخ

برخی از فواصل آیات، انسان را به نعمت‌ها و شکرگزاری برای آن‌ها تنبیه داده و در صورت عدم شکرگزاری توبیخ می‌کند. علامه جملات «أَفَلَا يَسْمَعُونَ» و «أَفَلَا يُبْصِرُونَ» در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره‌ی سجده (۱۶: ۴۱۹) و «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» در آیهی ۸ سوره‌ی مومنون (۱۵: ۷۸) را تنبیه و توبیخ کفار دانسته است.

۳. تهدید

ایشان جملهی «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» در آیهی «لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (عنکبوت، ۶۶) را بیانگر تهدید می‌داند؛ زیرا لام در «لیکفروا» و «لیتمتعوا» لام امر است و معلوم است که وقتی بزرگی زبردست خود را به چیزی که دوست ندارد امر می‌کند، می‌خواهد او را تهدید کند... و جملهی «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» نیز این تهدید را بیشتر آشکار می‌سازد. این معنا با آیهی «لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (روم، ۳۴) تأیید می‌شود (۱۶: ۲۳۸-۲۳۹).

- عبارت «فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» در آیهی «ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكُ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» (غافر، ۱۲) می‌خواهد کفار را تهدید کند، به همین منظور برای تأکید این تهدید آیه با دو نام مقدس «علی» و «کبیر» ختم شده است (۱۷: ۵۰۱).

۴. عتاب و مذمت

جمله‌ی «قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» در آیات «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (اعراف، ۱۰) و «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (مؤمنون، ۷۸) در عین بیان حقیقت، بویی از عتاب و مذمت را می‌رساند؛ زیرا کلمه‌ی «قَلِيلًا» وصفی است برای مفعول مطلق حذف شده و معنایش این است که «تَشْكُرُونَ شُكْرًا قَلِيلًا» (۱۵: ۷۷).

نتیجه‌گیری

تاریخ تفسیر قرآن کریم در طی قرون متمادی مفسران زیادی به خود دیده است. آنچه تفسیر میزان را از تفاسیر پیش و حتی پس از خود متمایز می‌سازد، نوآوری‌های علمی و نکته‌سنجی‌های بدیع مؤلف آن است. تحقیق حاضر با موردپژوهی و تمرکز بر بازنمایی تلاش‌های علامه طباطبایی در تبیین ارتباط میان فاصله‌ی آیات با دیگر آیات و محتوای آیه، نوآوری‌های ایشان را در این زمینه بیان کرد است. علامه طباطبایی با نگاه دقیق خود، ابعاد گسترده و انواع متعددی از این ارتباط را به نمایش گذاشته است که در نوع خود امری بی‌سابقه محسوب می‌گردد.

ایشان به آیاتی که در قرآن، موضوع یا محتوای یکسان دارند، اما از فواصل متفاوت برخوردارند، توجه نشان داده و همین امر به فهم بهتر و تفسیر آیات کمک کرده است. همچنین به آیاتی که در یک سوره از نظر مضمون یکسان اما دارای فواصل متفاوت هستند، توجه شده و بر اساس اعجاز بیانی قرآن کریم و نحوه‌ی قرارگرفتن آن‌ها نتایج جالبی از تحلیل و بررسی این نوع آیات در تفسیر میزان می‌توان مشاهده کرد.

گسترده‌ترین نوع قابل بررسی در تفسیر میزان، رابطه‌ی فاصله با محتوای آیه است. از آنجا که جملات درون آیه با یکدیگر مرتبط هستند و جمله‌ی پایانی نیز ویژه است، نوآوری‌های علامه در بیان پیوند فاصله با محتوای آیات به خوبی نمایان است. با بررسی

نوآورانه‌های المیزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه / علی اصغر آخوندی ۳۷

المیزان می‌توان ارتباط معنایی فواصل با محتوای آیات را در دو گونه‌ی اصلی از حیث موضوع و مخاطب تقسیم‌بندی کرد. از لحاظ موضوع، نمونه‌هایی از ارتباط فاصله با محتوای آیه در تفسیر المیزان قابل ردیابی است که انواع آن عبارت‌اند از: احتجاج و برهان، قانون کلی، هدف و غایت، تأکید، تثبیت، متمیم، تعلیل، تفریع و نتیجه‌گیری، تفسیر و توضیح، تقریر، خلاصه و زمینه‌چینی برای بعد.

از لحاظ مخاطب نیز، انواع ارتباط فاصله با محتوای آیه عبارت‌اند از: تحریک و تهییج، تنبیه و توبیخ، تهدید و عتاب و مذمت. برای هر یک از انواع مذکور، شواهدی در تفسیر المیزان آمده است که در متن تحقیق بدان اشاره شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

آخوندی، علی اصغر (۱۴۰۲). فواصل حسن ختام آیات، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
_____ (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تعاریف فاصله‌ی قرآنی، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، (۴۴)، ۸۱-۹۶.

_____، و سیاوشی، کرم (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی کارکردهای تفسیری فواصل آیات در تفاسیر المیزان و تسنیم، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۹ (۱)، ۲۷۲-۲۹۱.

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر

ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.

باقلانی، محمد (۱۹۹۷م). اعجاز القرآن، قاهره: دارالمعارف.

حسناوی، محمد (۱۴۰۶ق). الفاصلة فی القرآن، بیروت: المکتب الاسلامی.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت و دمشق: دارالقلم و الدارالشامیه.

رمانی، خطابی و جرجانی (۱۳۸۷ق، ۱۹۶۸م). النکت فی اعجاز القرآن، فی ثلاث رسائل فی

اعجاز القرآن، نسخه‌ی دوم، قاهره: دارالمعارف.

- زرکشی، محمد (۱۴۱۵ق). البرهان فی علوم القرآن، جلد ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالجیل.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۰). تفسیر المیزان، نسخه‌ی چهارم، ترجمه‌ی س. موسوی همدانی، تهران: بنیاد علامه طباطبایی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: هجرت.

Bibliography

- Qur'an Karim.
- Akhundi, Ali Asghar(1402). Nice endings of the verses, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [In prsian].
- Akhundi, Ali Asghar(1395). A comparative study of Quranic Fasilah definitions. Approximate studies of Islamic religions (Forugh Vahdat), (44), 81-96. [In prsian].
- Akhundi, Ali Asghar, Siavashi, Karam(1402). Comparative analysis of the interpretive functions of verse endings in al-Mizan and Tasnim commentaries. Comparative Interpretation Studies, 9 (1), 272-291. [In prsian].
- Ibn Faris, Ahmad(1399 A.H). MoJjam Maghaiis AlLoqat. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Ibn Manzoor, Muhammad(1414 A.H). Lisan ol Arab, Beirut: Dar Sader. [In Arabic].
- Baghalani, Mohammad(1997). Ijaz ol-Qur'an, Cairo: Dar al-Maarif. [In Arabic].
- Hasnawi, Mohammad(1406 A.H). Al-Fasilah fil Qur'an. Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic].
- Ragheb Esfahani, Hossein(1412 A.H). Mofradat Alfaz al_Quran. Beirut and Damascus: Dar al-Qalam and al-Dar al-Shamiya. [In Arabic].
- Romani, Khattabi and Jurjani(1387 A.H, 1968 A.D). Al-Nakt fi Ijaz al-Qur'an. Fi Salas Rasaila fi Ijaz al-Qur'an, second edition, Cairo: Dar al-Maarif. [In Arabic].
- Zarakshi, Mohammad(1415 A.H). Al-Barhan fi Ulum al-Qur'an, Volume II, Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic].
- Siyuti, Jalaluddin(nd). Al-Etqan fi olom il-Qur'an. Beirut: Dar al-Jeil. [In Arabic].
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein(1370). Tafsir al-Mizan, fourth edition, translation by S. Mousavi Hamdani, Tehran: Allameh Tabatabai Foundation. [In prsian].
- Farahidi, Khalil (1410 A.H). Kitab al-Ain, Qom: Hijrah. [In Arabic].